

به نام خدای مهربان



# ماجرای جویان کهکشانشان

۲

## سکوت زحل

رمان نوجوان - علمی تخیلی



تومی دونبوند • امیرحسین میرزاییان

## سکوت زحل

تومی دونبوند

ترجمه‌ی امیرحسین میرزاییان

مدیر هنری و اجرای جلد: حسین نیلچیان

ویراستار: سیما طاهری

زیر نظر شورای بررسی

صفحه‌آرایی: کارگاه گرافیک قاصدک (سید مهدی مظلوم)

لیتوگرافی: گلپا • کد: ۹۵/۶۸۸

چاپ سوم: ۱۳۹۹ • تیراژ: ۱۵۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۷۷۷-۸

شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۷۸۵-۳

کلیه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای

موسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر محفوظ است.

چاپ سوم



- با ماجراجویان کهکشان آشنا شوید..... ۴
- جلسه‌ی تمرین کیهان..... ۶
- فصل اول: ستاره‌های ساکت..... ۱۰
- فصل دوم: به دنبال جایزه..... ۱۷
- فصل سوم: سکوت طلاست..... ۲۵
- فصل چهارم: سخنرانی کوتاه..... ۳۵
- خودآزمایی..... ۴۶
- چگونه از خواندن این کتاب بیشتر لذت ببریم؟..... ۴۷
- درباره‌ی نویسنده..... ۴۸
- پاسخ خودآزمایی..... ۴۸

سرشناسه: دونبوند، تامی Donbavand, Tommy

عنوان و نام پدیدآور: سکوت زحل / نویسنده تومی دونبوند؛ مترجم امیرحسین میرزاییان.

مشخصات نشر: تهران: ذکر، کتاب‌های قاصدک.

مشخصات ظاهری: ۴۸ ص: مصور.

فروست: ماجراجویان کهکشان.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۷۷۷-۸ . دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۷۸۵-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Silence on Saturn.

موضوع: داستان‌های کودکان (انگلیسی) -- قرن ۲۰م.

شناسه افزوده: میرزاییان، امیرحسین، ۱۳۶۴ - مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ پ۸۷/۵۷۷ PZ۷

رده بندی دیویی: ۸۲۳/۹۱۴ [ج]

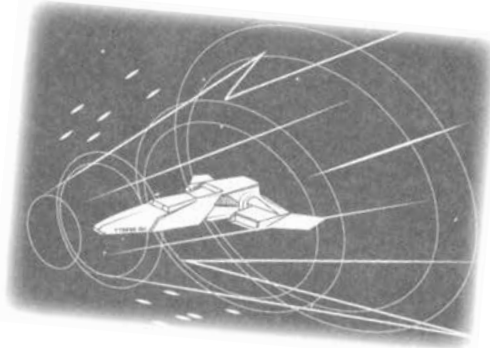
شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۷۱۳۱۲



Paper from well managed forests  
and controlled sources

کاغذ این کتاب از جنگل‌ها و منابع  
کاملاً مدیریت شده تهیه شده است.

## تحت تعقیب



سفینهی اچ اس اینفینیتی

**نام:** ولت

**سمت:** دستیار

**سن:** خیلی خیلی پیر!

**اهل سیاره:** زهره

**کار مورد علاقه:** از اگزوز

روی شانهاش بخار بیرون بزند و

اعلام کند: «پرش انجام شد!»

وَلت



**نام:** گاس باستر

**سمت:** رئیس کیهان

**سن:** ۱۵

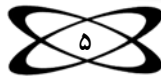
**اهل سیاره:** زمین

**کار مورد علاقه:** ناگهان روی

صفحه‌ی مانیتور ظاهر شود و

فریاد بزند: «فایربال، کجایی؟»

گاس



۵

## با ماجراجویان کهکشان آشنا شوید

**نام:** دن فایربال

**سمت:** فرمانده

**سن:** ۱۲

**اهل سیاره:** زمین

**کار مورد علاقه:** پشت صندلی

فرماندهی پنهان شود و با ترس

بپرسد: «هنوز نرسیدیم؟»

دَن



**نام:** استرا مون

**سمت:** افسر ارشد

**سن:** ۱۱

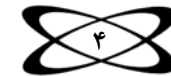
**اهل سیاره:** ماه

**کار مورد علاقه:** در مقابل

جیزر بایستد، یک گارد کاراته‌ای

بگیرد و بگوید: «بیا جلو!»

اَسْترا




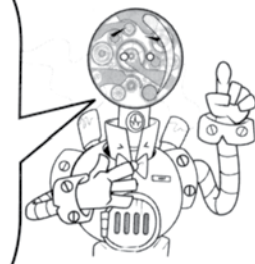
۴



## جلسه‌ی تمرین کیهان

### تاریخچه‌ی منظومه‌ی شمسی

درود بر تازه‌واردها!  
اسم من ولت است و معلم سایبری  
امروز شما هستم. اگر می‌خواهید شما  
هم یک مأمور کیهانی  باشید،  
باید تاریخچه‌ی منظومه‌ی شمسی را  
بدانید، پس باید این بخش را بخوانید.



ولت

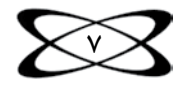
در آن دوران مشکلات زیادی وجود داشت. بزرگ‌ترها زمین را  
آلوده کرده بودند و بدتر از

همه این که همین کار  
را با هشت سیاره‌ی  
دیگر منظومه‌ی  
شمسی هم کردند.  
حقیقت این است  
که بزرگ‌ترها  
تا مدت‌ها اصلاً  
نمی‌دانستند پلوتن  
واقعاً یک سیاره است!



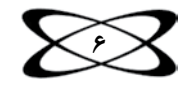
تا این که در سال ۲۲۸۱، بچه‌ها کنترل منظومه‌ی شمسی را به  
دست گرفتند.

حالا دیگر بزرگ‌ترها در هجده  
سالگی بازنشسته می‌شدند  
و بچه‌ها آن‌ها را به خانه‌ی  
سالمندانی که در ایستگاه‌های  
فضایی ساخته شده بود  
می‌فرستادند. بچه‌ها فقط سه سال  
در مدرسه می‌ماندند و اکثرشان تا  
هشت سالگی، دیگر صاحب شغل  
شده بودند.

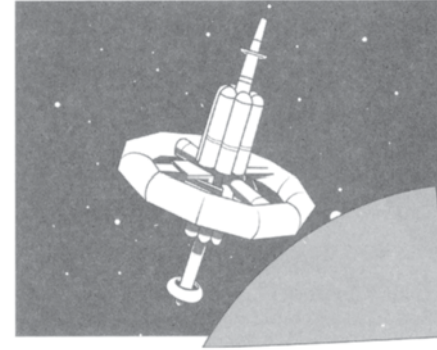


مدت‌ها پیش، بزرگ‌ترها کنترل همه  
چیز را به دست داشتند. تمام شغل‌ها  
مال آن‌ها بود، دولت‌ها را آن‌ها اداره  
می‌کردند و تازه کنترل تلویزیون هم  
همیشه دستشان بود.

بچه‌ها ناچار بودند تا هجده سالگی در  
مدرسه بمانند. آن‌ها مجبور بودند هر  
کاری که پدر و مادرشان می‌گفتند  
انجام دهند. بزرگ‌ترها پول کمی هم  
در اختیار بچه‌ها می‌گذاشتند که به  
آن «پول توجیبی» می‌گفتند.



بدین ترتیب منظومه‌ی شمسی به سرعت به جایی شادتر، امن‌تر و تمیزتر برای زندگی تبدیل شد.



اما همه‌ی بزرگ‌ترها بازنشستگی را در هجده سالگی دوست نداشتند. عده‌ای شورش کردند و از خانه‌ی سالمندان گریختند. آن‌ها شروع کردن به ایجاد دردسر و انجام کارهای خلاف.

برای همین بود که سازمان **کیهان** به وجود آمد:

**کیهان**؛ مخفف این کلمات است:

کمپانی

یافتن

همه

اشتباهات

فابخشودنی

یکی از بدترین این خلافکاران، مردی به نام جیزر بود. هدف **کیهان** این بود که جلوی کارهای خلافش را بگیرد.

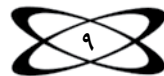


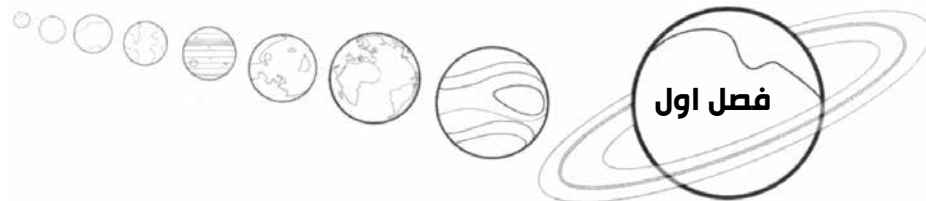
اعضای **کیهان** به همه جای منظومه‌ی شمسی سر می‌زدند تا معماهای پیچیده را حل و بزرگسالان خلافکار را دستگیر کنند. سرنشینان سفینه‌های پرشی **کیهان** می‌توانستند از میان تونل‌های مغناطیسی نامرئی کهکشانی به نام منطقه‌ی پرش بگذرند و به دنبال ماجراهای تازه بروند، بنابراین به آن‌ها ماجراجویان کهکشانی می‌گفتند.



منم در کنار دن فایربال و استرا مون مشهور، عضو تیم ماجراجویان کهکشانی بودم.

حالا اگر ورق بزنید، می‌توانید داستان یکی از هیجان‌انگیزترین و درعین حال ساکت‌ترین مأموریت‌های ما را بخوانید.





## ستاره‌های ساکت

سپس بدون آن که سرش را از صفحه‌ی تبلتش بلند کند گفت:  
«وقتی کارش تمام شد، به او بگو که کار ارتقا سیستم‌های پرواز  
سفینه را شروع کند.»

استرا با عصبانیت گفت: «تو اصلاً به من گوش نمی‌دهی، دن! به  
تو گفتم که ولت تقریباً این کار را تمام کرده.»

دن روی صندلی چرخید و گفت: «گفتی که ولت تقریباً این بار  
را حمام کرده؟»

استرا آهی کشید و با اعتراض گفت: «یک فرماندهی خوب  
**کیهان** باید به حرف‌های افرادش گوش کند.»

دن پاسخ داد: «من هم یک شنونده‌ی عالی هستم!»



استرا گفت: «تو وقتی  
کله‌ات را داخل صفحه‌ی  
کامپیوترت فرو می‌بری،  
انگار گوش‌هایت را هم  
تعطیل می‌کنی. این بار دیگر  
چه بازی‌ای می‌کردی؟  
سیارک‌های خشمگین؟»



## گزارش رسمی وقایع سفرهای

## سفینه‌ی فضای اچ اس اینفینیتی

## مأموریت دوم:

## سکوت زحل

## گزارش از این قرار است:

افسر ارشد، استرا مون، در حالی که صفحه‌ی تبلتش را لمس  
می‌کرد، به کابین فرماندهی سفینه‌ی اچ اس اینفینیتی وارد شد  
و گفت: «فرمانده، ولت تقریباً کار ارتقا دادن سیستم‌های پرواز  
سفینه را تمام کرده است.»

فرمانده دن فایربال همان‌طور که روی صندلی فرماندهی نشسته  
بود، پاسخ داد: «عالی است.»